

DOI: 10.20241403/CRPS.2502.1034.2.4.3

واکاوی پدیدارشناسانه‌ی تجارب دانشجویان علوم سیاسی از چالش‌های بنیادین در فرآیند یادگیری و آموزش دروس تخصصی

محمد رضا صالحی وثیق^۱ | علی اکبر پور آلمه جوقی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل پدیدارشناسانه‌ی تجارب زیسته‌ی دانشجویان علوم سیاسی از چالش‌های اساسی فرایند یادگیری و تدریس دروس تخصصی این رشته انجام شده است. این مطالعه با اتخاذ رویکرد کیفی و بهره‌گیری از راهبرد پدیدارشناسی تفسیری انجام شده است. جامعه پژوهش را دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران در سال ۱۴۰۳ تشکیل دادند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و با رعایت معیار اشباع نظری صورت گرفت و طی آن با ۱۸ دانشجو مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ی عمیق انجام شد. داده‌های گردآوری شده بر مبنای نظریه داده بنیاد و از طریق کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی) تحلیل شدند. یافته‌ها حاکی از آن است که چالش‌های تجربه شده توسط دانشجویان در قالب ۷ مقوله اصلی شامل: «ویژگی‌های فردی»، «برنامه درسی و ارزشیابی»، «اخلاق‌گرایی»، «دوره‌های آموزشی»، «منابع و امکانات»، «مسائل سازمانی» و «ارزیابی» دسته‌بندی شدند. این مقولات در سه حوزه‌ی کلی چالش‌های آموزشی، زیرساختی و فردی سازمان‌دهی شدند. نتایج نشان داد که تحقق فرایند یادگیری مؤثر مستلزم تدوین برنامه‌های ارتقای توانمندی آموزشی اساتید، بهبود زیرساخت‌های فیزیکی و تجهیزاتی و بازنگری در سرفصل‌های درسی به‌منظور تسهیل پیوند میان دانش نظری و مهارت عملی است. این پژوهش بر ضرورت تدوین یک برنامه راهبردی جامع جهت بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های آموزشی، ارتقای فرایند یاددهی-یادگیری و کاهش تنگناهای ساختاری در آموزش دروس علوم سیاسی تأکید می‌ورزد.

کلمات کلیدی: چالش‌های آموزشی، چالش‌های زیرساختی، چالش‌های فردی؛ دروس علوم سیاسی

شماره ۵(۲)

سال ۲

تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۱۶

صص: ۸۴-۱۱۰



^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. mo.rezasalehi@ut.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور قوچان، قوچان، ایران (نویسنده مسئول). akbarpourali1370@gmail.com

استناد: صالحی وثیق، محمد رضا و اکبر پور آلمه جوقی، علی. (۱۴۰۴). واکاوی پدیدارشناسانه‌ی تجارب دانشجویان علوم سیاسی از چالش‌های

بنیادین در فرآیند یادگیری و آموزش دروس تخصصی. شناخت پژوهی مطالعات سیاسی، ۵(۲)، ۸۴-۱۱۰. doi:

10.20241403/CRPS.2504.1044.2.5.5

Salehi Vasigh, M. R. and Akbarpour Almesh Joghi, A. (2025). Phenomenological Analysis of Political Science Students' Experiences of Fundamental Challenges in the Learning and Teaching Process of Specialized Courses in this Field. Cognitive research of political studies, 2(2),84-110. doi: 10.20241403/CRPS.2504.1044.2.5.5



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

دانشگاه یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که با اشاعه ارزش‌های جامعه و ایجاد تعامل میان اساتید و دانشجویان، نقش اساسی در تربیت فکری و ارزشی افراد ایفا می‌کند (Silva et al, 2021: 586). آموزش دانشگاهی با فراهم کردن برنامه‌های متنوع شناختی و مهارتی، به رشد همه‌جانبه جسمی، روانی، اجتماعی و بهداشتی دانشجویان کمک کرده و آن‌ها را برای سازگاری با محیط آماده می‌سازد. از این‌رو، فهم فرآیند آموزش و تأثیر آن بر تنظیم نظام ارزش‌های اجتماعی ضروری است. با این حال، آموزش در بسیاری از کشورها با چالش‌هایی چون کاهش زمان تدریس، نبود برنامه درسی منظم، کمبود تجهیزات و نگرش منفی نسبت به برخی رشته‌ها از جمله علوم سیاسی مواجه است (Sayed et al, 2023: 19). شناخت این چالش‌ها برای بهبود آموزش ضروری است، چراکه یادگیری تحت تأثیر شرایط فرهنگی، محیط آموزشی و تفاوت‌های فردی دانشجویان قرار دارد (Lipponen et al, 2022: 144). این چالش‌ها، دغدغه اکثر دانشجویان به‌ویژه دانشجویان دروس علوم سیاسی است. در مقایسه با سایر اساتید، در شغل اساتید دروس علوم سیاسی خصوصیات خاصی وجود دارد. از جمله این موارد می‌توان به همکاری با نهادهای سیاسی اشاره کرد. برخی اساتید از مشکلات و باورهای سیاسی متفاوتی برخوردارند که این چالشی برای توانایی کاری آن‌ها در امر تدریس است (Hüseyin et al, 2019: 669). در این راستا، انتخاب جریان تدریس به‌صورت هوشمندانه و برنامه‌های درسی منظم می‌تواند راهکاری مفید برای رفع چالش‌ها باشد. این مهم از طریق بازنگری در برنامه‌های گذشته و تدوین برنامه‌ای کارساز و جامع امکان‌پذیر است. امری که نیازمند تحقیقات گسترده و همه‌جانبه‌ای است که نتایج آن‌ها بتواند به تأمین نیازهای اساسی دانشجویان کمک نماید. روش‌های تدریس و یادگیری دروس علوم سیاسی کمک می‌کند تا دانشجویان آموزش را به‌خوبی دنبال کنند و دانش، مهارت‌هایی را کسب کنند و درک بهتری از مسائل جامعه داشته باشند (Yaakop & koh, 2021: 17). همچنین به دانشجویان اجازه می‌دهد تا به‌عنوان شهروندان قانونی در چارچوب یک دولت دموکراتیک رشد کنند. به همین دلیل دروس رشته علوم سیاسی باید بازتعریف شوند و آموزش آن نباید به‌عنوان یک موضوع منزوی دیده شود، بلکه باید با دیگر رشته‌ها ارتباط متقابل داشته باشد تا مشکلات زندگی روزمره دانشجویان از طریق آن درک و حل شود. در این بین، دانشجویان می‌توانند با نشان دادن احساسات و ترجیحات علمی و عملی خود، ارائه فضای مناسب برای تصمیم‌گیری، یا ایجاد فضایی آزاد برای بیان احساسات خود، از عناصر مهم باشند (Simón-Chico et al, 2023: 688). درواقع، امروزه در ادبیات گذار به

دموکراسی، دانشجویان به‌عنوان قلب تپنده و پیشتاز تحولات سیاسی و اجتماعی می‌باشند (Sardarnia & Yousefi, 2016: 6) و به‌عنوان بخش مهمی از نخبگان و بدنه کارشناسی جامعه و میزان آگاهی‌هایی که در موضوعات مختلف دارند و همچنین بابت نگاه تخصص آن‌ها، اهمیت ویژه‌ای دارند (Akbarpour Almeh Jooghi & Salehi Vasegh, 2025: 78). در زمینه آموزش دروس رشته علوم سیاسی، اساتید نیز می‌توانند با نشان دادن علاقه، احساسات و ترجیحات دانشجویان، ارائه فضای مناسب برای تصمیم‌گیری، یا ایجاد فضایی که در آن دانشجویان بتوانند آزادانه احساسات خود را بیان کنند، نقش مهمی داشته باشند (Reeve & Cheon, 2021: 57).

پژوهش حاضر به تکمیل شکاف موجود در ادبیات مربوط به چالش‌های آموزش دروس علوم سیاسی با توجه به دیدگاه دانشجویان این رشته می‌پردازد. چراکه، بررسی نگرش‌ها و باورهای آن‌ها نسبت به چالش‌های موجود در آموزش دروس علوم سیاسی امری بسیار مهم است. با شناسایی چالش‌های موجود، سعی می‌شود درک بهتری از این موضوع دریافت شود و بتوان راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها ارائه نمود. در مجموع، چالش‌های بی‌شماری را می‌توان یافت که در حوزه فردی، آموزشی و زیرساختی، می‌توانند بر آموزش دروس مؤثر باشند. از طریق شناسایی چالش‌های این حوزه، می‌توان سطوح برنامه‌های درسی این حوزه را گسترش داد و به افزایش ظرفیت برای حفظ و پیشرفت دانشجویان اقدام نمود تا وضعیت مناسبی از نظر کیفیت و کارایی پیدا نمایند. بر این اساس، مسئله پژوهش این است که مهم‌ترین چالش‌های موجود در آموزش دروس رشته علوم سیاسی از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی این رشته چیست؟ انجام این پژوهش از چندین جنبه دارای نوآوری است: یادگیری دروس علوم سیاسی نگرانی مشترک جامعه آموزشی است و انگیزه و تعهد دو عاملی هستند که به نظر می‌رسد تعیین‌کننده‌های کلیدی در فرآیند یاددهی و یادگیری باشند. این پژوهش با توجه به نگاه دانشجویان که هسته اصلی طبقه متوسط جدید می‌باشند، توصیه می‌کند که خدمات آموزشی از طریق آموزش علوم سیاسی باید نظارت بر آموزش، کاهش تراکم برنامه درسی و فراهم کردن امکانات و تجهیزات کافی صورت گیرد و به مسیر توسعه کمک کند. اطلاعات و نتایج کسب شده ممکن است برای برنامه‌ریزان برنامه درسی مفید باشد تا منابعی را توسعه دهند که به‌طور مثبت آموزش دروس علوم سیاسی را بهبود بخشند. این مطالعه همچنین زمینه آگاهی از مشکلات موجود در این رشته را فراهم می‌کند. علاوه بر این، پاسخ‌ها و راه‌حل‌های احتمالی را معرفی می‌نماید که به اساتید رشته علوم سیاسی، دانشجویان این رشته و سایر ذی‌نفعان کمک می‌کند و علاقه افراد را برای انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه را تقویت می‌نماید.

۱- پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع حاضر، پژوهش‌هایی مرتبط با کم و کیف و تأثیر دانشگاه، اساتید و دیگران صورت گرفته است. در ادامه، مهم‌ترین این پژوهش‌ها گزارش شده است:

کمالی و عبدالله‌پور چناری (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به بررسی ویژگی‌های استاد خوب از دیدگاه دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان پرداختند. از طریق مصاحبه با ۷۰ دانشجوی مشخص شد که ویژگی‌های استاد خوب در پنج مقوله ۱. توانمندی پژوهشی؛ ۲. توانمندی آموزشی و تدریس؛ ۳. نظارت و ارزشیابی دانشجویان؛ ۴. اخلاق و رفتار و ۵. پابندی به مقررات آموزشی دسته‌بندی می‌شوند. در این پژوهش بر اخلاق و رفتار به‌عنوان یک ویژگی مهم در بین اساتید تأکید شده است.

اشرف نظری (۱۳۹۹)، در پژوهش خود به ارزیابی وضعیت کمی و کیفی آموزش علوم سیاسی در ایران: مطالعه موردی دانشجویان رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پرداخته است. این پژوهش به دنبال تبیین نقاط قوت و ضعف آموزش علوم سیاسی از طریق ارائه چشم‌اندازهای راهبردی برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات موجود در حوزه علوم سیاسی و ارتقای جایگاه آن در میان رشته‌های دانشگاهی بوده است. به‌منظور تحلیل دیدگاه‌های دانشجویان در زمینه راهکارهای ارتقا و بهبود وضعیت رشته علوم سیاسی ابتدا دیدگاه‌ها با استفاده از روش‌های تحلیل کیفی دسته‌بندی و سپس با استفاده از تحلیل آماری توصیف شدند. از طریق انجام این پژوهش تلاش شده تا احیای نظام دانش کاربردی و کارآمد برای آموزش علوم سیاسی فراهم شود.

بارخدا و احمد حیدری (۱۴۰۰)، در پژوهش خود به بازنمایی تجارب دانشجویان از چالش‌ها و مشکلات تدریس اساتید در فضای مجازی پرداختند. از طریق فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی، نتایج نشان داده که چالش‌های دانشجویان در پنج دسته‌ی اصلی شامل موارد مربوط به تعاملات کلاسی، مدیریت کلاس درس، کنترل و ارزشیابی، زیرساخت‌های ارتباطی و پارازیت‌های محیطی دسته‌بندی می‌شوند. این پژوهش بر فرایند آموزش از طریق فضای مجازی آن هم در عصر کرونا تأکید کرده است.

ریحانی (۱۴۰۱)، در پژوهش خود به شناسایی چالش‌های تدریس در آموزش و پرورش ایران پرداخت. با ۲۰ نفر از خبرگان و کارشناسان آموزش و پرورش شامل ۱۰ خبره دانشگاهی مسلط به موضوع و ۱۰ خبره فعال در آموزش و پرورش مصاحبه شد، که در ادامه به اصلاح و بومی‌سازی مدل پرداخته شد تا از این طریق ابعاد و شاخص‌های چالش‌های تدریس در آموزش و پرورش ایران

استخراج و ماهیت مفهوم کشف شد. نتایج نشان داد، ابعاد تشکیل‌دهنده چالش‌های تدریس در آموزش و پرورش ایران شامل پنج بعد تأمین و تخصیص منابع، برنامه‌های درسی و آموزشی، مدیریت و ساختار تشکیلات عوامل غیرقابل‌پیش‌بینی مانند بیماری همه‌گیر کرونا و معلمان و مدرسين همراه با ۲۷ شاخص است.

احمد^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود به بهبود برنامه‌های رشته علوم سیاسی در قرن بیست و یکم پرداخت. این مقاله با استفاده از یک رویکرد کیفی نشان داده که دستیابی به مجموعه مهارت‌های قرن بیست و یکم و به‌کارگیری روش‌های آموزشی و یادگیری مبتنی بر فناوری، عناصر حیاتی در بازگشایی ارزش آموزش علوم سیاسی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای دانشجویان برای پیشبرد اهداف حرفه‌ای و شغلی خود هستند. این مقاله بینشی در مورد چگونگی تنظیم یک برنامه علمی دروس علوم سیاسی ارائه می‌دهد.

دی^۲ (۲۰۲۲)، در پژوهش خود مشکلات آموزش علوم سیاسی در آموزش عالی در تریپورا را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها طیفی از چالش‌ها را نشان می‌دهند، از جمله برنامه درسی منسوخ و نامربوط، منابع آموزشی ناکافی، فقدان آموزش برای اساتید در راهبردهای آموزشی مدرن و به‌طور کلی سطوح پایین مشارکت دانشجویان را می‌توان نام برد. این مسائل نه تنها بر درک دانشجویان از مفاهیم اساسی حوزه سیاسی تأثیر می‌گذارد، بلکه به بی‌علاقگی کلی آن‌ها به آموزش مدنی نیز کمک می‌کند. بهبود روش‌های تدریس و در نهایت ترویج مشارکت و علاقه بیشتر دانشجویان به سیاست امری مهم است.

اودووی^۳ و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهش خود به تحلیل روند چالش‌های دانشجویان بین‌المللی در طول بیش از ۲۱ سال پرداختند. دانشجویان بین‌المللی کشورهای خود را ترک می‌کنند تا اهداف آموزشی خود را در کشور دیگری دنبال کنند و باید برای موفقیت خود را وفق دهند. با این حال، ممکن است هنگام سازگاری با فرهنگ جدید و یادگیری آن با چالش‌هایی مواجه شوند. یافته‌ها نشانی می‌دهد که چهار مقصد برتر برای دانشجویان بین‌المللی (ایالات متحده، بریتانیا، استرالیا و کانادا) بیشترین مقالات را در مورد چالش‌های دانشجویان بین‌المللی تولید کرده‌اند. علاوه بر این، بیشتر مقالات بیش از یک چالش را بررسی کردند و چالش‌های اجتماعی-فرهنگی (۸۲/۹٪) و چالش‌های آکادمیک (۸۲/۳٪) بیشترین فراوانی را داشتند.

¹ Ahmad

² Dey

³ Oduwaye

سرین و ماندال^۱ (۲۰۲۴)، در پژوهش خود چالش‌های یادگیری ترکیبی در آموزش عالی در سراسر جهان را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این مطالعه یک مدل موانع مفهومی یادگیری ترکیبی را معرفی می‌کند که توسط چارچوب جامعه تحقیق ارائه شده است و شامل ۱۶ مانع شناسایی شده جهت اجرای یادگیری ترکیبی است. علاوه بر این، این بررسی بر یادگیری غیرفعال، محدودیت‌های طراحی و کمبودهای آموزش به عنوان چالش‌های اصلی در حوزه یادگیری ترکیبی تأکید می‌کند. یافته‌های این مطالعه با ارائه بینش‌هایی برای اجرای موفقیت‌آمیز شیوه‌های یادگیری ترکیبی، پیامدهایی برای دانشجویان، اساتید، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی دارد. این امر بر ضرورت مداخلات سیاستی مناسب و خاص برای کاهش چالش‌های یادگیری تأکید می‌کند.

این بخش به پیشینه تحقیق اختصاص داشت، مروری بر نکات ادبی و تمرکز بر چالش‌های مؤثر بر تدریس دروس رشته علوم سیاسی انداخته شد. در این بخش به بررسی علل اصلی چالش‌ها پرداخته شد و راه‌های ممکن برای به حداقل رساندن چالش‌ها نیز پیشنهاد شد. اگرچه ادبیات بررسی شده تعدادی از چالش‌های مؤثر، علل اصلی چالش‌ها و برخی راه‌های ممکن برای به حداقل رساندن آن چالش‌ها را شناسایی کرده‌اند، اما مشخص نیست که آیا این چالش‌ها در فرهنگ‌ها و مناطق مختلف یکسان می‌باشند؛ بنابراین این مطالعه به دنبال یافتن چالش‌های مؤثر بر آموزش دروس علوم سیاسی از منظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی این رشته است. هر یک از پژوهش‌ها به نحوی چالش‌های حوزه آموزش عالی را با تأکید بر دروس مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. با این حال، این مسئله به صورت کلی و در بین جوامع آماری مختلف و کشورهای متفاوتی صورت گرفته و یافته‌های متناقضی کسب شده است. آنچه دارای نوآوری می‌باشد، تحلیل پدیدارشناسانه نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم سیاسی نسبت به چالش‌های مؤثر بر آموزش دروس علوم سیاسی می‌باشد که با توجه به جستجوی محقق، پژوهشی که به صورت مستقیم این موضوع را در ایران بررسی نماید، مشاهده نشده است.

۲- روش پژوهش

این پژوهش از حیث هدف در دسته کاربردی و در حوزه تحقیقات منابع انسانی است. روش تحقیق با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن، توسعه‌ای است. طرح این تحقیق از نوع پدیدار

¹ Sareen & Mandal

شناختی تفسیری^۱ و از نوع رویکرد کیفی می‌باشد. پدیدار شناختی یک استراتژی تحقیقاتی قدرتمند است که برای بررسی مشکلات چالش‌برانگیز در آموزش و فرایند تدریس مناسب است (Neubauer et al, 2019: 92). رویکرد کیفی برای افزایش عمق و وسعت درک کاربرد دارد. مزیت این روش، تأکید آن بر گزارش‌های ذهنی و تجربیات زیسته شرکت‌کنندگان است (Alase, 2017: 11). همچنین از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی مطابق با تعریف اورمورد^۲ (۲۰۱۴) استفاده شد. یک مطالعه توصیفی برای آشکار ساختن ماهیت چندوجهی یک موقعیت، محیط، فرآیند، روابط، سیستم‌ها یا افراد خاص ارزشمند است. اهمیت این رویکرد در توانایی آن برای ارائه بینش بیشتر در مورد پدیده‌های تحت بررسی و گرفتن اطلاعاتی است که ممکن است تنها با یک طرح تحقیق از دست برود. محققان به یک رویکرد محدود نمی‌شوند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا به مجموعه وسیع‌تری از سؤالات پژوهشی بالقوه پردازند و به‌نوبه خود، مجموعه دانش موجود را گسترش دهند و زمینه‌های جدید مورد علاقه را برای تحقیقات آینده ایجاد کنند. این نوع روش، برای درک تجربیات زیسته و تفاسیر ذهنی دانشجویان ارزشمند است. تحلیل پدیدار شناختی تفسیری به سطح بالایی از مهارت مصاحبه‌گر نیاز دارد که از جمله می‌توان به مهارت‌های همدلی و گوش دادن اشاره نمود. نحوه صحبت و تعامل با شرکت‌کنندگان بسیار مهم است، چراکه کیفیت تجزیه و تحلیل به داده‌های آن‌ها بستگی دارد (Smith & Nizza, 2021: 78). نقش محقق، بررسی و تفسیر تجارب زیسته شرکت‌کنندگان با بررسی جنبه‌های مورد نظر بود.

انتخاب شرکت‌کنندگان یک جنبه حیاتی از تحقیقات کیفی هنگام بررسی و تفسیر «تجارب زیسته» آن‌هاست. حصول اطمینان از این‌که شرکت‌کنندگان بینش غنی و مرتبط در مورد پدیده مورد تحقیق ارائه می‌دهند، مستلزم ملاحظات متفکرانه و انتقادی در انتخاب آن‌هاست. نیومن^۳ (۲۰۱۱) جامعه را به‌عنوان ایده انتزاعی گروه بزرگی از موارد متعدد که یک مطالعه از آن‌ها نمونه می‌گیرد و نتایج را می‌توان به آن‌ها تعمیم داد، تعریف کرد. دانشجویان علوم سیاسی به‌دلیل توانایی آن‌ها در ارائه بینش‌ها و دیدگاه‌های معنادار انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان از طریق فضای مجازی و از بین دانشجویان گرایش‌های مختلف علوم سیاسی در سطح دکتری و کارشناسی ارشد (از هر دو جنسیت مرد و زن) انتخاب شدند.

¹ interpretative phenomenological analysis-IPA

² Ormord

³ Neuman

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

شرکت کنندگان بر اساس سن، جنسیت، مقطع، گرایش تحصیلی و محل تحصیل دسته‌بندی شدند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند تضمین می‌کند که شرکت کنندگان منتخب تجربیات و دانش دست‌اول مرتبط با اهداف تحقیق را دارند. انجام مصاحبه تا زمانی ادامه یافت که مصاحبه‌های جدید، اطلاعات جدیدی به یافته‌ها اضافه نکنند. با تنوع تجربیاتی که ارائه شد، اشباع داده‌ها توسط ۱۸ نفر برآورده شد. در جدول (۱)، مشخصات مصاحبه‌شوندگان گزارش شده است:

جدول-۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

سن	جنسیت	مقطع و گرایش تحصیلی	محل تحصیل
۴۸	مرد	دکتری- مسائل ایران	آزاد اسلامی واحد نیشابور
۲۹	مرد	دانشجوی دکتری- اندیشه سیاسی	تهران
۳۱	مرد	کارشناسی ارشد- علوم سیاسی	پیام نور قوچان
۳۹	زن	دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	تهران
۴۵	مرد	دکتری- مسائل ایران	آزاد اسلامی واحد نیشابور
۳۶	مرد	کارشناسی ارشد- علوم سیاسی	اهواز
۵۱	مرد	دانشجوی دکتری- اندیشه سیاسی	آزاد اسلامی واحد همدان
۳۶	مرد	دکتری- مسائل ایران	تهران
۳۲	مرد	دانشجوی دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	تهران
۲۵	زن	کارشناسی ارشد- علوم سیاسی	پیام نور تهران
۳۱	مرد	دانشجوی دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	شاهد
۲۴	مرد	کارشناسی ارشد- علوم سیاسی	پیام نور تهران
۳۱	مرد	دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	تهران
۴۲	مرد	دانشجوی دکتری- روابط بین‌الملل	آزاد اسلامی شاهرود
۳۰	مرد	دکتری- اندیشه سیاسی	تهران
۲۹	مرد	کارشناسی ارشد- علوم سیاسی	اصفهان
۴۶	مرد	دکتری- جامعه‌شناسی سیاسی	پیام نور تهران
۲۸	مرد	دکتری- سیاستگذاری عمومی	تهران

مراحل تحقیق شامل انتخاب شرکت کنندگان، تهیه راهنمای مصاحبه با سؤالات مصاحبه نیمه ساختاریافته و اجرای روش نمونه‌گیری و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بود. جمع‌آوری داده‌ها شامل برنامه‌ریزی و انجام مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل مورد به مورد برای کسب اشباع نظری است. «مصاحبه

نیمه ساختاریافته امکان تأمل را فراهم می‌نماید و محقق را قادر می‌سازد تا ذهنیت شرکت‌کنندگان را شناسایی نماید» (George, 2023: 8). بدین منظور در طی مصاحبه‌ها، شرکت‌کنندگان تشویق شدند تا در مورد دیدگاه‌های خود صحبت کنند. سؤالات پایان باز، به شرکت‌کنندگان اجازه داد احساسات واقعی خود را منعکس کنند. مصاحبه‌های انجام شده برای رونویسی ضبط شدند. چندین بار به خواندن مصاحبه‌های ضبط شده برای درک کامل محتوا اقدام و در جهت فهم شباهت‌ها، تفاوت‌ها و تناقضات در سخنان اقدام شد. رونوشت‌ها چندین بار خوانده شدند و یادداشت‌های جدید با توسعه بینش‌های جدید اضافه شدند. محققین نقش مشاهده‌ای را به‌عنوان یک ناظر غیر شرکت‌کننده ایفا کردند که به‌عنوان ناظری تعریف می‌شود که از محل تحقیق بازدید می‌کند و یادداشت‌ها را بدون درگیر شدن در فعالیتهای شرکت‌کنندگان ثبت می‌کند. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی؛ با برنامه‌ریزی، فرمول‌بندی سؤالات تحقیق و انتخاب روش‌های مناسب جمع‌آوری داده‌ها، موضعی بی‌طرف و بدون ارتباط شخصی یا حرفه‌ای با شرکت‌کنندگان اتخاذ شد. رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان کسب شد و از محرمانه بودن و حفظ حریم خصوصی در فرآیند تحقیق اطمینان حاصل شد. جهت ایجاد یک رابطه قابل اعتماد با شرکت‌کنندگان، یک فضای راحت و بدون قضاوت برای تشویق آن‌ها جهت به اشتراک گذاشتن آزادانه تجربیاتشان ایجاد شد. این محیط با نشان دادن همدلی، مهارت‌های گوش دادن فعال و حساسیت فرهنگی، تشویق شرکت‌کنندگان برای به اشتراک گذاشتن داستان‌های معتبرشان تقویت گردید.

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته با استفاده از روش کدگذاری و طی سه مرحله کدگذاری اولیه، ثانویه و نهایی انجام شد که شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. در این مطالعه، ابتدا از روش کدگذاری باز استفاده شد که شامل فرآیند تجزیه داده‌ها به مفاهیم، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های معنادار بود. این اقدام، شامل شناسایی الگوها و اشتراکات پاسخ‌ها و درک عمیق‌تر از نگرش آن‌ها بود. سپس، کدگذاری محوری برای ایجاد ارتباط بین مفاهیم و مضامین انجام شد. این اقدام شامل سازمان‌دهی داده‌ها حول یک پدیده مرکزی و بررسی روابط با متغیرهای مختلف بود که به توضیح پیچیدگی نگرش مصاحبه‌شوندگان کمک کرد. درنهایت، کدگذاری انتخابی به‌منظور پالایش بیشتر و توسعه مضامین اصلی انجام شد. این اقدام شامل انتخاب مرتبط‌ترین و مهم‌ترین مقوله‌ها و ابعادی بود که برای درک مسئله پژوهش اهمیت داشت. برای اعتباربخشی به یافته‌های پژوهش، از چهار معیار شامل قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال یا انتقال‌پذیری،

قابلیت اطمینان یا اطمینان‌پذیری و قابلیت تأییدپذیری استفاده شد.^۱ این معیارها در ادامه معرفی شده‌اند:

قابل اعتماد بودن یک مسئولیت مشترک بین شرکت‌کنندگان و محقق است. اشتباهات در پاسخ‌ها اعتبار مطالعه را تهدید می‌کند. در تحقیقات کیفی، دقت یک مطالعه می‌تواند به دلیل رابطه نزدیکی که اغلب بین محقق و شرکت‌کنندگان شکل می‌گیرد، به خطر بیفتد. در تحقیقات متمرکز بر تجربیات شرکت‌کنندگان، ایجاد رابطه و اعتماد برای تقویت صداقت در پاسخ‌ها ضروری است (Richardson, 2024: 74). اعتبار این پژوهش که به باورپذیری و صحت آن اشاره دارد، از طریق بررسی اعضا بهبود یافت. انتقال‌پذیری بر تعمیم‌یافته‌ها به سایر زمینه‌ها یا جمعیت‌ها تأکید دارد. برای افزایش قابلیت انتقال، شرح مفصلی از زمینه تحقیق، شرکت‌کنندگان و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها ارائه شد. نمونه‌گیری هدفمند این امکان را داد تا شرکت‌کنندگان آگاه انتخاب شوند و قابلیت انتقال یافته‌های تحقیق افزایش یابد. قابلیت اطمینان به پایداری یافته‌ها در طول زمان اشاره دارد (Bitsch, 2005: 79). در این راستا، اطمینان حاصل شد که فرآیند تحقیق مستند و شفاف باشد. مستندسازی دقیق روش‌های جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها، امکان تکرار بالقوه مطالعه توسط سایر محققان را فراهم می‌کند. تأییدپذیری به عینیت و بی‌طرفی یافته‌ها اشاره دارد. در مدل لینکلن و گو با (۱۹۸۵)، بی‌طرفی یک تکنیک اولیه برای ایجاد تأییدپذیری یافته‌ها می‌باشد. با مطالعه تحقیقات پیشین، نویسندگان کوشش کردند تأییدپذیری مطالعه بهبود بخشیده شود و امکان بررسی و ارزیابی توسط دیگران فراهم شود. قابلیت تأییدپذیری به معنای تلاش در جهت احراز شاخص عینیت در پژوهش است. این امر بستگی به قدرت تحلیل و دقت داده‌های به‌دست آمده و میزان تأیید آن‌ها دارد.

۳- یافته‌های پژوهش و تحلیل

این بخش به ارائه، تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج حاصل از داده‌های جمع‌آوری شده می‌پردازد. ابزار پژوهش شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که به صورت حضوری توزیع شد. پیش از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نیاز بود تا مشخصات شناسه‌ها ارائه شود که در جدول (۲)، قابل مشاهده است:

^۱ این معیارها توسط لینکلن و گو با (۱۹۸۵) معرفی شده و مبنای بسیاری از پژوهشگران در اعتباریابی پژوهش‌های کیفی است.

جدول-۲. مشخصات کدهای شناسه

S1-Sn	P1-Pn
منظور از S، فرد مصاحبه‌شونده یا همان دانشجویان می‌باشند که از نفر اول تا نفرات آخر را شامل شدند.	منظور از P، مخفف کلمه پوینت به معنی نکته یا نکات کلیدی است که از مصاحبه با دانشجویان استخراج شد.

در ادامه به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در بخش نکات کلیدی، ابتدا مصاحبه‌ها جداسازی و کدهای باز مربوط به آن‌ها استخراج شد تا مشخص شود که دانشجویان چه پاسخی به مسئله پژوهش داده‌اند. سپس، داده‌های هر مصاحبه، تجزیه شده و مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها شکل گرفتند. در جدول (۳)، نکات کلیدی و کدهای باز حاصل از مصاحبه با آن‌ها گزارش شده است:

جدول-۳. نکات کلیدی و کدهای باز حاصل از شناسایی چالش‌های موجود در فرآیند یادگیری و آموزش دروس علوم سیاسی

کدهای شناسه	نکات کلیدی	کدهای باز
T1	فقدان روحیه در بین اساتید	تقویت روحیه
	دانش و مهارت‌های آموزش در بین اساتید وجود ندارد.	دانش ناکافی
	عدم تقدیر و قدردانی از زحمات و خدمات اساتید برجسته	تقدیر و قدردانی
	هنگامی که در مورد تعداد دروس در هفته پرسیده شد، پاسخ این بود که تعداد دوره‌های آموزشی در طول هفته بسیار اندک است.	تعداد اندک دوره‌های آموزشی
T2	تأمین منافع مادی مورد نیاز برای تدریس	اختصاص منافع مادی
	داشتن محیطی توأم با آرامش و تأمین امنیت	محیطی توأم با امنیت
	دوره‌های اختصاص یافته به دروس کافی نیست.	عدم کفایت دوره‌ها
T3	ایجاد رفاقت در بین اساتید و دانشجویان به سبب ایجاد گروهی خلاق و پویا	تعامل با دانشجویان
	از چالش‌های موجود، می‌توان به کمبود اساتید آموزش‌دیده دانست.	اساتید مرتبط

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

محیط شاد	وجود محیط شاد در کلاس درس که باعث ایجاد رضایت و خوش بینی می گردد.	
کمبود زمان کافی	به دلیل کمبود زمان کافی، آموزش درس علوم سیاسی کافی نیست و به دوره های بیشتری برای افزایش سطح انرژی نیاز است.	
رشته شغلی مرتبط	رشته شغلی که استاد دارد، باعث ایجاد انگیزه می شود و راندمان کاری را بالا می برد.	T4
کمبود تجهیزات آموزشی	از چالش های موجود، می توان به کمبود تجهیزات آموزشی در دانشگاه اشاره نمود.	
انگیزه ناکافی	اساتید انگیزه کافی ندارند، چراکه هیچ منبع آموزشی وجود ندارد و امکانات برای برگزاری کلاس های دروس علوم سیاسی ناکافی است.	
کیفیت آموزش	کیفیت آموزشی بالا توسط اساتید	
روش های جدید تدریس	اتخاذ روش های جدید و کارآمد در محیط درس	T5
وجود آگاهی	کیفیت بالای آگاهی در کار خود	T6
وجود انگیزه	وجود انگیزه در فرد نسبت به کار خود	
وجود اعتماد به نفس	عدم وجود اعتماد به نفس کافی در بین اساتید	
امکانات آموزشی	عدم وجود امکانات آموزشی مناسب	T7
جمعیت کلاس	نبود جمعیت کلاسی متناسب و استاندارد	
ایده های نوآورانه	اساتید باید ایده های نوآورانه و روش های جایگزین و بداهه با منابع موجود ارائه دهند.	T8
نگرش غیر تخصصی نسبت به تدریس	برخی اساتید نگرش غیر تخصصی نسبت به تدریس دارند.	
وظیفه علمی	پذیرش شغل به عنوان یک وظیفه	
سالن های آموزشی	چالش های دیگر را می توان شامل سالن ها و کارگاه های آموزشی دانست.	T9

مواد درسی	از دیگر چالش‌های موجود را می‌توان شامل کمبود مواد درسی دانست.	
اشتراک تجهیزات	اساتید باید تجهیزات را به اشتراک بگذارند.	T10
عدم علاقه و تعهد دانشجویان	از دیگر چالش‌های موجود، می‌توان به عدم علاقه و تعهد در برخی از دانشجویان اشاره نمود.	
حجم مطالب درسی	حجم مطالب موجود در کتب درسی متناسب و کاربردی نیست.	
صبوریت	باحوصله بودن و صبوری تدریس کردن	
منابع و امکانات	منابع، امکانات و تجهیزات مرتبط با آموزش دروس علوم سیاسی برای تسهیل آموزش در اختیار اساتید وجود ندارد.	T11
تعداد دانشجویان	تعداد دانشجویان مناسب با موضوع ارائه‌شده در تدریس‌ها و توانایی اساتید نیست.	
امکانات ناکافی	چالش‌های دیگر را می‌توان شامل امکانات ناکافی دانست.	
حمایت سازمانی	حمایت کادر سازمانی و ایجاد محیط آرام	T12
تقویت عزت نفس	تقویت عزت نفس اساتید نسبت به خود و شغلی که دارند.	
کمبود تجهیزات	چالش‌های دیگر را می‌توان شامل کمبود تجهیزات دانست.	
دشواری درک مفاهیم	پیشگیری مفاهیم نظری و دشواری درک آن‌ها برای دانشجویان جدید	T13
فاصله مباحث نظری و عملی	فاصله بین مباحث تئوریک و واقعیت‌های عملی سیاست	
نبود منابع به‌روز	کمبود منابع به‌روز و مرتبط با مسائل روز سیاسی	
روش تدریس سنتی	روش‌های تدریس سنتی که با نیازهای امروز دانشجویان همخوانی ندارد	T14
نبود تفکر انتقادی	دشواری در ایجاد تفکر انتقادی و تحلیلی در دانشجویان	
کمبود امکانات آموزشی	کمبود امکانات آموزشی مدرن مانند لابراتوارهای سیاسی	
کمبود فضای مناسب	نبود فضای مناسب برای برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای تخصصی	T15

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

کمبود بودجه	کمبود بودجه برای برگزاری برنامه‌های عملی و بازدیدهای میدانی	
مشکلات انگیزشی	مشکلات انگیزشی در یادگیری مباحث تئوریک	
دشواری در برقراری ارتباط	دشواری در برقراری ارتباط بین مطالب درسی و علایق شخصی	
حجم زیاد کتب	اضطراب و استرس ناشی از حجم زیاد مطالب	T16
ضعف در مهارت‌های یادگیری	ضعف در مهارت‌های زبان انگلیسی برای استفاده از منابع بین‌المللی	
ضعف در زیرساخت‌ها	ضعف در زیرساخت‌های آموزش مجازی و ترکیبی	
چالش در مدیریت زمان	چالش در مدیریت زمان برای مطالعه دروس مختلف	T17
محدودیت دسترسی به منابع	محدودیت دسترسی به پایگاه‌های داده و منابع علمی بین‌المللی	
عدم پیوند میان نظریه و عمل	میان نظریه و عمل در حوزه آموزش پیوند وجود ندارد.	
ضعف در تفکر انتقادی	تفکر انتقادی و بینا رشته‌ای به صورت کامل قابل مشاهده نیست.	T18
عدم انگیزه مطالعه	عدم انگیزه و نبود آینده شغلی مشخص	
کمبود تجربه عملی	کمبود تجربه عملی و مهارت‌های حرفه‌ای	

سپس تلاش گردید تا مؤلفه‌های حاصل از شناسایی چالش‌های موجود در آموزش دروس علوم سیاسی از نظر دانشجویان این رشته با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج گردد. از این رو در جدول (۴)، مؤلفه‌های حاصل از شناسایی چالش‌های موجود ارائه شده است:

جدول-۴. مؤلفه‌های حاصل از شناسایی چالش‌های موجود در فرآیند یادگیری و آموزش دروس

علوم سیاسی

کدهای شناسه	کدهای باز	مؤلفه‌های کسب‌شده
S1 P1 S4 P3 S6 P1 S6 P2 S8 P2 S10 P4 S14 P2 S16 P1 S16 P3 S18 P2 S18 P3	تقویت روحیه انگیزه ناکافی وجود آگاهی وجود انگیزه نگرش غیرتخصصی نسبت به تدریس صبوریت نبود تفکر انتقادی دشواری در برقراری ارتباط ضعف در مهارت‌های یادگیری ضعف در تفکر انتقادی عدم انگیزه مطالعه	ویژگی‌های فردی
S1 P2 S3 P4 S5 P1 S8 P3 S9 P2 S10 P3 S11 P2 S13 P2 S14 P1 S16 P2 S17 P2 S18 P1	دانش ناکافی کمبود زمان کافی کیفیت آموزش وظیفه علمی مواد درسی حجم مطالب درسی تعداد دانشجویان فاصله مباحث نظری و عملی روش تدریس سنتی حجم زیاد کتب چالش در مدیریت زمان عدم پیوند میان نظریه و عمل	برنامه درسی و ارزشیابی
S1 P3 S3 P1 S6 P3 S12 P2	تقدیر و قدردانی تعامل با دانشجویان وجود اعتمادبه‌نفس تقویت عزت‌نفس	اخلاق‌گرایی

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

S1 P4 S2 P3 S4 P1 S13 P1	تعداد اندک دوره‌های آموزشی عدم کفایت دوره‌ها رشته شغلی مرتبط دشواری درک مفاهیم	دوره‌های آموزشی
S2 P1 S3 P3 S4 P2 S7 P1 S9 P1 S10 P1 S11 P1 S11 P3 S12 P3 S13 P3 S14 P3 S15 P1 S15 P2 S17 P3	اختصاص منافع مادی محیط شاد کمبود تجهیزات ورزشی امکانات آموزشی سالن‌های آموزشی اشتراک تجهیزات منابع و امکانات امکانات ناکافی کمبود تجهیزات نبود منابع به‌روز کمبود امکانات آموزشی کمبود فضای مناسب کمبود بودجه محدودیت دسترسی به منابع	منابع و امکانات
S2 P2 S3 P2 S7 P2 S10 P2 S12 P1 S17 P1 S18 P4	محیطی توأم با امنیت اساتید مرتبط جمعیت کلاس عدم علاقه و تعهد دانشجویان حمایت سازمانی ضعف در زیرساخت‌ها کمبود تجربه عملی	مسائل سازمانی
S5 P2 S8 P1	روش‌های جدید تدریس ایده‌های نوآورانه	ارزیابی

این بخش چالش‌های خاصی که در آموزش دروس علوم سیاسی وجود دارند را، از نظر دانشجویان این رشته بررسی کرد. پس از شناسایی چالش‌های موجود در آموزش دروس علوم سیاسی، نیاز بود تا مهم‌ترین مقوله‌های استخراج‌شده دسته‌بندی شوند و مقوله محوری و مقولات

پیرامون آن تعیین گردد. در ادامه و در جدول شماره (۵)، مقوله‌های اصلی و منابع داده‌ها گزارش شده است:

جدول-۵. مقوله‌ها و زیر مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

مقوله‌های اصلی	منابع داده‌ها (اطلاع‌رسان‌ها)
ویژگی‌های فردی (۱۱)	۱، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و ۱۸
برنامه درسی و ارزشیابی (۱۲)	۱، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷ و ۱۸
اخلاق‌گرایی (۴)	۱، ۳، ۶ و ۱۲
دوره‌های آموزشی (۴)	۱، ۲، ۴ و ۱۳
منابع و امکانات (۱۴)	۲، ۳، ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۷
مسائل سازمانی (۷)	۲، ۳، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۷ و ۱۸
ارزیابی (۲)	۵ و ۸

با توجه به تجزیه و تحلیل انجام گرفته، مجموعه این عوامل می‌توانند در قالب ابعاد آموزشی، زیرساختی و فردی بر آموزش دروس علوم سیاسی تأثیرگذار باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر آموزش دروس علوم سیاسی از نظر دانشجویان این رشته بود. بیان مشکل کلی این بود که چندین پروژه برنامه درسی شکست خورده‌اند، چراکه توجه کافی به عوامل تسهیل‌کننده رفع چالش‌ها صورت نگرفته است. فقدان محتوا و روش ارائه مرتبط که بتواند دانش، توانایی‌های شناختی و تغییرات رفتاری را برحسب سطح و توانایی و نگرش کافی در حل مسئله توسعه دهد، از مشکلات عمده آموزش حرفه‌ای است. این مطالعه با ارائه ادبیات نظری، ادراکات در مورد آموزش دروس علوم سیاسی، اهمیت موضوع در دانشگاه و همچنین در زندگی دانشجویان و همچنین بررسی چالش‌های مؤثر بر آموزش دروس علوم سیاسی آغاز شد. نتایج در ادامه بحث شده است. با توجه به تجزیه و تحلیل انجام گرفته و کدهای باز و مؤلفه‌های کسب‌شده، ابعاد حاصل از این مقوله‌ها را می‌توان در دسته‌های آموزشی، زیرساختی و فردی قرار داد. درواقع، مجموعه این عوامل از نظر دانشجویان رشته علوم سیاسی می‌توانند بر آموزش دروس تأثیرگذار باشند. در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر و مقوله‌هایی که مورد توجه قرار گرفتند، می‌توان به یافته‌های همسو با پژوهش همچون پژوهش‌های کمالی و عبدالله‌پور چناری

(۱۳۹۴)؛ نسترن بروجنی و همکاران (۱۳۹۵)؛ اشرف نظری (۱۳۹۹)؛ بارخدا و احمد حیدری (۱۴۰۰)؛ عزیزی پور (۱۴۰۱)؛ روزبهانی و همکاران (۱۴۰۱)؛ ریحانی (۱۴۰۱)؛ رودریگز تورس و همکاران (۲۰۱۷)؛ احمد (۲۰۲۰)؛ دی (۲۰۲۲)؛ یاکوپ و کو (۲۰۲۱)؛ آگوینالدو^۱ (۲۰۲۱)؛ دانیل^۲ و همکاران (۲۰۲۲)؛ هرنان^۳ و همکاران (۲۰۲۳)؛ اودووی و همکاران (۲۰۲۳)؛ و سرین و ماندال (۲۰۲۴) و غیره اشاره نمود. در همین ارتباط، نسترن بروجنی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود مشکلات مربوط به برنامه‌ریزی ناصحیح را از مهم‌ترین مشکلات تدریس دانستند. عزیزی پور (۱۴۰۱)، در پژوهش خود نشان داد که آموزش دروس با تنگناها و چالش‌های بی‌شماری همچون نبود زیرساخت‌های کافی و آمادگی لازم مبنی بر آموزش، کم‌اهمیت جلوه دادن دروس و... مواجه است. یاکوپ و کو (۲۰۲۱)، در پژوهش خود چالش‌هایی مانند استاد، دانشجو، منابع، مدیریت را نام بردند که باید بر آن‌ها غلبه نمود. دانیل و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهش خود تأمین امکانات و تجهیزات را به‌عنوان عوامل مؤثر بر آموزش در نظر گرفتند. هرنان و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهش خود نشان دادند برای به دست آوردن نتایج مثبت، باید تدریس با در نظر گرفتن ارزشیابی سازمان‌دهی شود و ارزشیابی ساختارمند باشد. پرداختن به تدریس علوم سیاسی و چالش‌های آن، مستلزم اجرای اصول خاصی برای بهبود فرآیند یادگیری است که در این پژوهش توضیح داده شده است. هدف، توصیف و تحلیل نکات و مقوله‌هایی است که از تفکر پیچیده و ارتباط آن با آموزش علوم سیاسی حمایت می‌کند. این مطالعه نشان داد که در آموزش علوم سیاسی چالش‌هایی وجود دارد. این چالش‌ها شامل امکانات و تجهیزات ناکافی؛ سالن‌ها و کارگاه‌های آموزشی؛ کمبود مواد درسی؛ عدم علاقه و تعهد برخی اساتید؛ کمبود اساتید آموزش‌دیده و همچنین ویژگی‌های فردی است. از این‌رو، آموزش دروس علوم سیاسی در برخی موارد نسبت به سایر موضوعات آموزشی اهمیت کمتری دارد و مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد (Swart, 2000: 15).

این یافته‌ها با این مطالعه تحقیقاتی مطابقت دارد، چراکه همه پاسخ‌ها، آموزش دروس علوم سیاسی را غیر مهم نشان می‌دهند. برخی از دانشجویان بیان کردند که در طول آموزش، برخی از اساتید با تلفن همراه خود درگیر بودند و یا مشغول کارهای دیگر بودند. آن‌ها از زمان خود به‌طور مؤثر برای آموزش استفاده نمی‌کردند. ضمن این که دوره‌های اختصاص داده شده به آموزش بسیار

¹ Aguinaldo

² Daniel

³ Hernán

کم بوده است. کومبز^۱ (۲۰۱۷) استدلال می‌کند که اگر سیستم آموزشی به‌اندازه کافی با کتاب‌های درسی، کتابخانه‌ها و امکانات همخوان نباشد، قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور نخواهد بود. ارتقای کیفیت در آموزش نیازمند ابزارهای بهتری برای آموزش است. کومبز (۲۰۱۷) برای موفقیت آموزش دروس بر نیاز به داشتن منابع انسانی کافی، یک استراتژی آموزشی اندیشیده شده، مواد آموزشی کافی و امکانات فیزیکی قابل قبول تأکید می‌کند. اکثر دانشگاه‌ها فاقد حتی ابتدایی‌ترین تجهیزات برای آموزش هستند و این امر ارائه آموزش باکیفیت به دانشجویان را دشوار می‌کند. همچنین، دوره‌های آموزش دروس تنها یک دوره در هفته دریافت می‌شود که زمان کافی برای برنامه‌های درسی مختلف نیست؛ بنابراین، کمبود امکانات، استفاده ضعیف یا استفاده کم، ممکن است بر کیفیت آموزش تأثیر منفی بگذارد. مجموعه این چالش‌ها را می‌توان شامل امکانات ناکافی در دانشگاه؛ کمبود تجهیزات؛ کمبود مواد درسی مانند کتاب‌های درسی؛ عدم علاقه و تعهد در برخی از دانشجویان و اساتید و... دانست. در ادامه چالش‌های مؤثر بر آموزش دروس علوم سیاسی مورد بحث قرار گرفته‌اند:

دسترسی به فضا و تجهیزات کافی

کمبود شدید بودجه برای تأمین امکانات و نگهداری از این امکانات در بسیاری از مؤسسات آموزشی در سراسر جهان وجود دارد. چالش‌های مهمی در ارائه طیف کامل خدمات در کشورهای درحال توسعه وجود دارد، اما شکایت‌هایی از نگهداری ناکافی و از دست رفتن امکانات وجود دارد، حتی در کشورهایی که برنامه‌های آموزش دروس را به‌خوبی توسعه داده‌اند (Osborne et al, 2019: 3). علاوه بر این، نگولو (۲۰۲۴) ادعا می‌کند که فقدان شاخص‌های عملکرد برای آموزش دروس و همچنین زیرساخت‌های ضعیف به کاهش اعتبار و اهمیت رشته علوم سیاسی در دانشگاه‌ها کمک می‌کند. چنان‌که در این پژوهش نیز مورد اشاره قرار گرفت، نبود منابع و امکانات کافی از چالش‌های مهم در این زمینه است. در نتیجه، امکانات مناسب و در دسترس یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر آموزش دروس تأثیر می‌گذارد. بسیاری از دانشجویان برای انجام پژوهش‌های خود با محدودیت‌های مالی روبه‌رو هستند. نبود بودجه کافی برای شرکت در کنفرانس‌ها، انجام تحقیقات میدانی، یا انتشار مقالات در مجلات معتبر، از پیشرفت پژوهش‌های دانشجویی جلوگیری می‌کند.

سلامت زیرساخت‌ها

¹ Coombs

ارائه تسهیلات مرتبط با آموزش دروس بسیار مهم است، اما کمبود منابع کلیدی منجر به کاهش قابل توجهی در ارزش جایگاه آن می‌شود (Shehu, 2019: 2). روزبوریل و آنتالا (۲۰۱۱) اشاره می‌کنند که امکانات فیزیکی استاندارد که به‌خوبی نگهداری می‌شوند، به‌ویژه در دانشگاه‌ها، یک دلیل کلیدی برای بهبود فرایند تدریس در بین دانشجویان است؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین عوامل در زمینه توانمندسازی و ایجاد انگیزه در برنامه‌های آموزشی، وجود امکانات فیزیکی مناسب و متناسب با شرایط کاری است؛ بنابراین، عدم سلامت زیرساخت‌های ساختاری در محیط آموزش یکی دیگر از چالش‌های تدریس است. بسیاری از اساتید هنوز از روش‌های سنتی مبتنی بر سخنرانی استفاده می‌کنند که موجب کاهش مشارکت دانشجویان می‌شود. این رویکرد منفعلانه، فرصت تعامل، تحلیل انتقادی و مشارکت فعال را محدود می‌کند. علوم سیاسی به‌دلیل ماهیت تحلیلی خود، نیازمند شیوه‌های نوین تدریس، مانند مطالعات موردی، مناظره‌های کلاسی و تحلیل مسائل روز است.

ویژگی‌های فردی اساتید

مشکل اساسی آموزش علوم سیاسی در ایران، فقدان بنیان‌های نظری بومی و سنت منسجم و مستمر است که موجب شده این دانش در قالبی وارداتی و گسسته از پیشینه اندیشه سیاسی ایرانی شکل گیرد. در نتیجه، آموزش این رشته به‌جای تکیه بر یک سنت علمی تثبیت شده، متأثر از سلاقی فردی اساتید مسلط بوده و به تفسیرهای شخصی از علم سیاست تقلیل یافته است. در حالی که بسیاری از اساتید رشته علوم سیاسی فاقد آموزش تخصصی، مهارت‌های آموزشی و دانش از بهترین شیوه‌های فعلی هستند که منجر به استراتژی‌های آموزشی ناکارآمد و مشارکت محدود دانشجویان در کلاس درس می‌شود. با توجه به یافته‌های مطالعات پیشین، وضعیت آموزش دروس توسط این چالش‌ها به‌طور جدی به خطر می‌افتد (Ngolo, 2024: 7)؛ بنابراین، بر طبق یافته‌های پژوهش حاضر، ویژگی‌های اساتید نیز می‌تواند بر آموزش دروس علوم سیاسی تأثیرگذار باشد. چراکه اساتید ویژگی‌ها، ادراکات و رفتارهای متفاوتی نسبت به آموزش دروس دارند.

کمبود کتاب‌های درسی و نبود برنامه‌ریزی مناسب

کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین مواد آموزشی برای تقویت یادگیری مؤثر هستند. کتاب‌های درسی برای ایجاد یک رابطه انتقادی با رشته در حال تحصیل ضروری هستند و می‌توانند به ترویج مدل‌های یادگیری جایگزین و محتوای درسی در بین فراگیران کمک کنند. در همین ارتباط، باروسو

¹ Rozbboril & Antala

و داریدو^۱ (۲۰۲۲) مشاهده کردند که اساتید طرفدار استفاده از کتاب‌های آموزشی در طول کلاس هستند؛ بنابراین برای اساتید ضروری است که نیاز به ایجاد اصلاحات مطابق با واقعیت آموزشی خود را با این فرض که هر مطلبی بهبود یافته و مناسب‌تر شود، درک کنند و آن را در آموزش و تدریس به کارگیرند. برخی از منابع و سرفصل‌های دروس علوم سیاسی به‌روزرسانی نشده‌اند و بر متونی تمرکز دارند که در زمینه‌های کلاسیک اهمیت دارند، اما کمتر به تغییرات سریع جهانی، تحولات فناوری و تأثیر آن‌ها بر سیاست می‌پردازند. با توجه به پویایی سیاست، لازم است که محتوای درسی به‌صورت مداوم به‌روزرسانی شود. دسترسی محدود به منابع به‌روز و معتبر، یکی از چالش‌های اصلی دانشجویان است. برخی دانشگاه‌ها از منابع ترجمه شده یا تالیفی استفاده می‌کنند که گاهی با تأخیر به‌روزرسانی می‌شوند. همچنین، برخی کتاب‌های مرجع به‌راحتی در دسترس نیستند و هزینه‌های بالای کتب خارجی مانع از دسترسی آزاد دانشجویان به منابع جدید می‌شود.

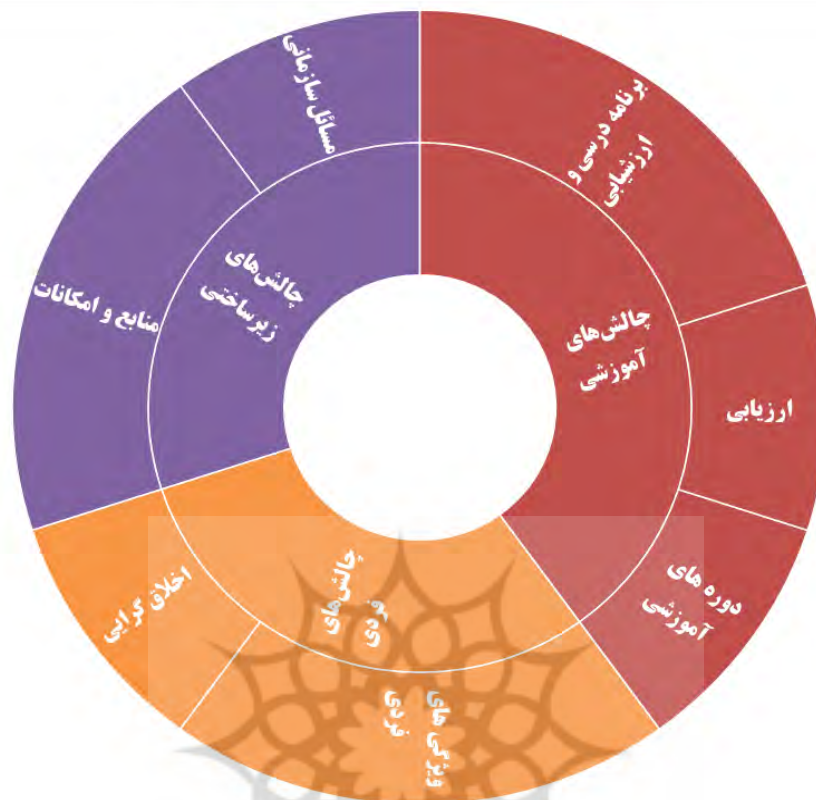
انگیزه، نگرش و علاقه دانشجویان

انگیزه عنصری است که تأثیر مستقیم بر عملکرد تحصیلی دارد. نگرش دانشجویان مهم‌ترین عامل در تعیین سطح موفقیت آن‌ها در مبحث آموزش کلاس درس است (Ross & Lars, 2018: 73). دیدگاه‌ها و میزان علاقه دانشجویان نیز ممکن است به ارائه درس ناکارآمد و همچنین عملکرد بد کمک کند و علاوه بر این، زمانی که یادگیرندگان نگرش نامطلوب از خود نشان می‌دهند، منجر به بی‌انگیزگی می‌شود. نگرش‌ها به طرق مختلف بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارد و در مورد مشارکت فرد در فعالیت‌های روزمره تصمیم می‌گیرد. در فرایند تدریس، به دست آوردن بینش در مورد دیدگاه‌های دانشجویان برای درک نگرش آن‌ها و همچنین علایق و مشارکت آن‌ها در برنامه‌های درسی بسیار مهم است؛ بنابراین، عواملی را که مانع از فرآیند آموزش و یادگیری مطلوب می‌شوند می‌توان شامل نگرش منفی دانشجویان و عدم پشتیبانی اداری دانست که محیط مساعدی را فراهم نمی‌کند. یادگیری می‌تواند در هرجایی رخ دهد، اما نتایج یادگیری مثبتی که عموماً توسط سیستم‌های آموزشی به دنبال آن است، در محیط‌های یادگیری با کیفیت بالا اتفاق می‌افتد (Nelson, 2016: 93)؛ بنابراین، یک چالش مهم دیگر، نگرش منفی دانشجویان و نبود محیط یادگیری مطلوب و مثبت است. به‌ویژه که یکی از دغدغه‌های دانشجویان علوم سیاسی، عدم اطمینان از آینده شغلی است. برخی احساس می‌کنند که فرصت‌های شغلی مناسبی برای آن‌ها وجود ندارد و این مسئله انگیزه یادگیری را کاهش می‌دهد. همچنین، رقابت بالا در این حوزه و نبود مسیرهای روشن شغلی

¹ Barroso & Darido

باعث اضطراب دانشجویان می‌شود. پارسا (۱۹۹۵)، در پژوهش خود در راستای توانایی ایجاد علاقه در شاگردان نشان داد اساتیدی که به درس علاقه دارند، اما نسبت به شاگردان خود، بی تفاوت هستند، کلاسشان اغلب سرد و کسل کننده جلوه می‌کند. در حوزه اخلاق و رفتار نیز، کمالی و عبدالله پور چناری (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند با توجه به این که فرایند یاددهی و یادگیری در آموزش عالی فرایندی دو سویه و ازجمله تعاملات و ارتباطات انسانی است، این تعاملات باید در چارچوب مجموعه قواعد اخلاقی و رفتاری صورت گیرد. مقوله اخلاق و رفتار باید ازجمله ویژگی‌های استاد خوب در رشته علوم سیاسی باشد. در نظر گرفتن نوع نگاه دانشجویان، می‌تواند به فرایند تصمیم‌گیری و بهبود فرایند تدریس کمک نماید و به رفع آسیب‌شناسی‌ها در این زمینه و ایجاد سازوکارهای شفاف در امر آموزش و یادگیری منتهی گردد. با توجه به نتایج، مقوله «منابع و امکانات» دارای بیشترین تکرار هست که نشان دهنده نقش اصلی آن بوده و به‌عنوان مقوله محوری انتخاب گردید. مقوله‌های دیگر در چارچوب طرح نظام‌مند در اطراف آن جای گرفتند. همچنین تعداد دروس آموزش دروس علوم سیاسی؛ انگیزه اساتید؛ نگرش اساتید تدریس کنند؛ منابع برای حمایت از آموزش؛ کمبود برنامه‌های درسی؛ کمبود تجهیزات؛ عدم تعهد و... را که در دسته‌های آموزشی، زیرساختی و فردی قرار می‌گیرند، می‌توان به‌عنوان چالش‌های موجود در آموزش دروس علوم سیاسی نام برد. در نمودار ۱، ابعاد حاصل از شناسایی چالش‌های موجود در آموزش دروس علوم سیاسی ارائه شده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار-۱. الگوی مفهومی پژوهش: ابعاد و مقوله‌های حاصل از شناسایی چالش‌های موجود در آموزش دروس علوم سیاسی

پس از شناسایی چالش‌ها، محققین به دنبال این بودند که راه‌حلهایی برای چالش‌های رایج در آموزش دروس روش علوم سیاسی ارائه نمایند. راه‌حل‌ها می‌توانند چالش‌هایی را که اساتید به صورت روزانه در آموزش با آن مواجه می‌شوند، برطرف کنند. از چالش‌های موجود باید درس گرفت و از مشاور موضوعی، مدیران و دانشجویان کمک گرفت تا بتوان چالش‌های موجود را حل نمود. در این راستا، برنامه‌های درسی باید تغییر کند و مطابق با الزامات اکثریت قریب به اتفاق باشد. این یافته با نتایج مطالعه حاضر مطابقت دارد، زیرا پاسخ‌دهندگان موافق بودند که آموزش دروس به طور معمول برای ترکیب شیوه‌های به دست آمده از تحقیقات جاری و تجربیات تدریس مستند اصلاح و تنظیم می‌شود. توسعه یک برنامه درسی مناسب، تهیه بودجه کافی برای استفاده از فناوری برای افزایش آگاهی در مورد اهمیت این رشته در زندگی روزمره یک راه‌حل مهم در این زمینه

است. راهکارهای آینده باید برای جذاب شدن این رشته مورد استفاده قرار گیرند. آموزش صحیح نقش مهمی در بهبود آموزش ایفا می‌کند، چراکه اساتید را با دانش، مهارت‌ها و استراتژی‌های لازم برای ایجاد برنامه‌های جذاب و مؤثر در جهت آموزش و تدریس مجهز می‌کند. باید اطمینان حاصل شود که اساتید با تحقیقات و روندهای فعلی و بهترین شیوه‌ها در آموزش به‌روز می‌شوند. این فرصت‌ها می‌تواند شامل کارگاه‌ها، اجلاس‌ها، دوره‌های آنلاین و همکاری با سایر اساتید باشد. توسعه حرفه‌ای مستمر به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های خود را اصلاح کنند، پایگاه دانش خود را گسترش دهند و استراتژی‌های آموزشی نوآورانه ارائه کنند. دانشگاه‌ها باید برنامه‌ای برای اساتید ایجاد کنند که بتوانند از آن پیروی کنند و تجهیزات بیشتری را برای آموزش دروس علوم سیاسی فراهم کنند تا از فرآیند یادگیری حمایت شود. از روش‌های تدریس فعال مانند مطالعات موردی، شبیه‌سازی مذاکرات سیاسی، مناظره‌های علمی و کارگاه‌های مهارتی استفاده شود. کلاس‌های تعاملی برای افزایش مشارکت دانشجویان در بحث‌ها برگزار شود. دوره‌های آموزشی که مفاهیم نظری را با مسائل روز سیاست جهانی و داخلی پیوند دهد، برگزار شود. منابع و توسعه زیرساخت‌های آموزشی به‌روز شود و دسترسی بیشتر به پایگاه‌های داده علمی و منابع معتبر بین‌المللی فراهم شود. مسیرهای شغلی مشخص برای فارغ‌التحصیلان علوم سیاسی ترسیم شود. تعامل دانشگاه با نهادهای حکومتی، سازمان‌های بین‌المللی و رسانه‌ها برای جذب دانشجویان به بازار کار گسترش یابد و کارگاه‌های مهارت افزایی (تحلیل سیاسی، پژوهش و...) برگزار شود. همچنین فرصت‌های یادگیری عملی مانند شبیه‌سازی‌های سیاسی، تقویت مهارت‌های زبان تخصصی، استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی و ارائه مشاوره تحصیلی تخصصی به دانشجویان ایجاد شود. این راه‌حل‌ها می‌توانند به رفع چالش‌های آموزش دروس علوم سیاسی کمک کنند. با توجه به طرح مقطعی به کار رفته در مطالعه حاضر، نمی‌توان مشخص کرد که آیا چالش‌های معرفی شده می‌توانند در طول زمان منجر به کاهش عملکرد اساتید دانشگاه به‌طور کلی و اساتید مرتبط با دروس علوم سیاسی به‌طور جزئی گردند. همچنین تعمیم‌پذیری نتایج به تمام دانشگاه‌ها یا کل دانشجویان غیرممکن است. به‌منظور پر کردن شکاف‌های موجود، تحقیقات آینده می‌توانند ابزارها و شاخص‌های اندازه‌گیری جدید را توسعه دهند. همچنین مطالعات طولی در چند دانشگاه به‌صورت هم‌زمان انجام شود تا فرصت نتیجه‌گیری دقیق‌تر برای برنامه‌ریزی بهتر فراهم شود. سیاست‌گذاران و اساتید باید کارهای بیشتری را انجام دهند تا اطمینان حاصل شود که دانشجویان در طول سال‌های تحصیلی خود از یک برنامه آموزش با کیفیت بالا برخوردار می‌شوند و می‌توانند در برنامه‌های عملی خود استفاده نمایند. مطالعات آینده

باید شامل طراحی کلاس درس هوشمند و اجرای دستورالعمل‌ها در کلاس درس و سپس ارزیابی تأثیرات یادگیری با فناوری‌ها و بررسی الگوهای فعالیت‌های آموزشی در کلاس هوشمند برای مطابقت با فناوری، فضای آموزشی و یادگیری باشند. علاوه بر این، اهمیت حیاتی دارد هر زمان که دانشگاه جدید ساخته می‌شود، باید اجباری باشد که امکانات اولیه آموزش دروس نیز ساخته شود. ضروری است که دانشگاه‌ها به‌درستی تجهیزات و منابع کافی برای آموزش دروس علوم سیاسی را با در نظر گرفتن چشم‌اندازها لحاظ کنند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Ashraf Nazari, A. (2020). Evaluating the Quantitative and Qualitative Status of Political Science Education in Iran: A Case Study of Political Science Students at the University of Tehran. *Journal of Politics*, 50 (1), 367-383. [in Persian]
- Aguinaldo, J. C. (2021). Challenges encountered by physical education teachers in online learning. *International Journal of Research Publications*, 91 (1): 157-171.
- Ahmad, T. (2020). Improving political science degree programmes in the twenty-first century'. *Review of Economics and Political Science*, 5 (3): 231-247.
- Akbarpour Almelh Jooghi, A., Salehi Vasegh, M. (2025). A Phenomenological Analysis of Political Science Students' Experiences of Challenges Due to Job Insecurity in This Field. *Political Studies Epistemology*, 2 (1), 76-100. [in Persian]
- Alase, A. (2017). The interpretative phenomenological analysis (IPA): A guide to a good qualitative research approach. *International Journal of Education and Literacy Studies*, 5 (2): 9-19.
- Azizipour, H. (2022). Challenges, Obstacles, Limitations, and Opportunities in Physical Education Courses. 7th National Conference on Sports and Health Studies in the Islamic World, Tehran. [in Persian]
- Barkhoda, S.J., Ahmadheidari, P. (2021). Representation of Students' Experiences of Challenges and Problems in Professors' Teaching in Virtual Spaces. *Teaching Research*, 9 (1), 73-98. [in Persian]
- Barroso, N., Darido, S. (2022). Delivering physical education in selected schools in Soweto, South Africa: Soweto Active Schools programme. *African Journal for Physical Activity and Health Sciences*, 23 (1:2): 204-214.
- Bitsch, V. (2005). Qualitative research: A grounded theory example and evaluation criteria. *Journal of Agribusiness*, 23 (1): 75-91.
- Coombs, A. (2017). Implementing a Physical Education Curriculum. *Canadian Journal of Education*, 5 (1): 249-268.
- Daniel, A., Nora, H., Stephen, S., Boadu, F. (2022). Why Physical Education Is Not Taught in Primary Schools: Views of Teachers in Twifo Atti-Morkwa District of Central Region, Ghana. *Advances in Physical Education*, 12 (2): 42-59.
- Dey, P. (2022). PROBLEMS OF POLITICAL SCIENCE EDUCATION AT THE HIGHER SECONDARY LEVEL IN TRIPURA: A STUDY. *ShodhKosh Journal of Visual and Performing Arts*, 3 (2): 545-553.

- George, T. (2023). Types of interviews in research Guide & Examples. Scribbr.
- Hernán, E., López-Pastor, V., Lorente-Catalán, E., Kirk, D. (2023). Challenges with using formative and authentic assessment in physical education teaching from experienced teachers' perspectives. *Curriculum Studies in Health and Physical Education*, 14 (2): 109-126.
- Hüseyin, Ü., Bijen, F. (2019). Work Ability of the Turkish Physical Education Teachers. *Res. Q. Exerc. Sport*, 90 (9): 666-677.
- Kamali, Y., Abdollahpour Chenari, M. (2015). Examining the Characteristics of a Good Professor from the Perspective of Political Science Students at Shahid Bahonar University of Kerman. *Journal of Education and Evaluation*, 8 (30), 117-140. [in Persian]
- Lincoln, Y.S., Guba, E.G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage.
- Lipponen, H., Hirvensalo, M., & Salin K. (2022). Older Physical Education Teachers' Wellbeing at Work and Its Challenges. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19 (21): 142-150.
- Nastaran Boroujeni, E., Nastaran Boroujeni, I., Henry, H. (2016). Identifying Problems in Physical Education Classes in Isfahan Schools and Comparing the Views of Principals, Experts, and Physical Education Teachers. *New Approaches in Sports Management*, 4 (14), 83-94. [in Persian]
- Nelson, C. (2016). *Critical Issues in Education: A Dialection Approach*. New York: M cGarw-Hill, Inc.
- Neubauer, B.E., Witkop, C.T., Varpio, L. (2019). How phenomenology can help us learn from the experiences of others. *Perspect Med Educ*, 8 (19): 90-97.
- Neuman W.L (2011). *Social research methods qualitative and quantitative approaches* (7th ed). Boston: Allyn and Bacon.
- Ngolo, S. (2024). An analysis on the challenges influencing the teaching of physical education in secondary schools in Lüderitz, Namibia. A THESIS SUBMITTED IN FULFILLMENT OF THE REQUIREMENTS FOR THE DEGREE OF MASTER OF EDUCATION OF THE UNIVERSITY OF NAMIBIA.
- Oduwaye, O., Kiraz, A., Sorakin, Y. (2023). A Trend Analysis of the Challenges of International Students Over 21 Years. *SAGE Open*, 13 (4): 1-14.
- Ormord, U. (2014). Case study of a health optimizing physical education-based comprehensive school physical activity program. *Evaluation and Program Planning*, 72 (4): 106-117.
- Osborne, J., Baur, L., Sutlif, I. (2019). The educational benefits claimed for physical education and school sport: An academic review. *Research Papers in Education*, 24 (1): 1-27.
- Parsa, M. (1995). *Educational Psychology*. Tehran: Sokhan Publications. [in Persian]
- Reeve, R., Cheon, S.H. (2021). Autonomy-supportive teaching: Its malleability, benefits, and potential to improve educational practice. *Educational Psychologist*, 56 (1): 54-77.
- Reyhani, H. (2022). Identifying Teaching Challenges in Iran's Education System. *Educational and School Studies*, 11 (4), 209-232. [in Persian]
- Richardson, L.E. (2024). *The Experience of Organizational Leaders with Decision-Making in a Crisis*. Walden University, Walden Dissertations and Doctoral Studies Walden Dissertations and Doctoral Studies.
- Rodríguez Torres, A., Muñoz Correa, K., Zavala Urquizo, D.F., Gómez Díaz, M.G. (2017). The challenges of the teaching of Physical Education in a complex world. *Buenos Aires*, 21 (4): 210-224.
- Ross, N., Lars, K. (2018). *Planning the Quality of Education: The Collection and Use of Data for Informed Decision Making*. Paris. International Institution for Educational Planning, 5 (6): 72-73
- Rozbboril, C., Antala, T. (2011). Through the years: A longitudinal study on physical education teachers from a study-based preparation program. *Research Quarterly for Exercise & Sport*, 72 (3): 219-231.

- Ruzbehani, S., Fahiminejad, A., Tayyebi Sani, S.M., Esmaili, J. (2022). Identifying Factors Affecting the Successful Implementation of the General Physical Education Course. *Research in Educational Sport*, 10 (27), 237-258. [in Persian]
- Sardarnia, K., Yousefi, B. (2016). Measuring the Relationship between Trust and Membership in Voluntary Associations with Students' Political Culture. *Two Quarterly Journals of Political Science*, 1 (5): 5-26. [In Persian]
- Sareen, S., Mandal, S. (2024). Challenges of blended learning in higher education across global north-south: A systematic and integrative literature review. *Social Sciences & Humanities*, 10 (24): 101-124.
- Sayed, I., Faros, A., Seikan, M. (2023). Secondary School Physical Education Challenges: Case of South-East Botswana. *American Journal of Physical Education and Health Science*, 1 (2): 16-26.
- Shehu, J. (2019). South African physical education teachers' professional development experiences: epistemological implications. *Teacher Development*, 9 (2): 1-17.
- Silva, AJFd., Silva, CCd., Tinôco RdG., et al. (2021). Dilemmas, Challenges and Strategies of Physical Education Teachers-Researchers to Combat Covid-19 (SARS-CoV-2) in Brazil. *Front. Educ*, 6 (1): 583-602.
- Simón-Chico, L., González-Peño, A., Hernández-Cuadrado, E., Franco, E. (2023). The Impact of a Challenge-Based Learning Experience in Physical Education on Students' Motivation and Engagement. *Eur J Investig Health Psychol Educ*, 13 (4): 684-700.
- Smith, J.A., Nizza, I.E. (2021). *Essentials of Interpretative Phenomenological Analysis*. Video file: YouTube.
- Swart, P. (2000). *Attitudes of Secondary School Students and Teachers Towards Physical Education in the Windhoek Region*. Unpublished master's thesis, University of Namibia, Windhoek, Namibia.
- Yaakop, N., Koh, D. (2021). Challenges and Suggestions with Teaching of Physical Education Subject in Malaysian Primary Schools. Conference: Challenges and Suggestions with Teaching of Physical Education Subject in Malaysian Primary SchoolsAt: Malaysia.